

فهم جامعه شناختی داغ ننگ در ورزش معلولان شهر تهران

ابوالفضل تجرد^۱

بهرام قدیمی^۲

زهرا علی پور درویشی^۳

شهلا حجت^۴

معصومه شجاعی^۵

 10.22034/SSYS.2022.1067.1729

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۰۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۲۲

مطالعه حاضر با هدف شناسایی و فهم پدیده داغ ننگ در جامعه ورزش معلولان با رویکرد کیفی و مبتنی بر روش نظریهٔ مبنایی انجام گردید و کوشید تا یک مدل پارادایمی از مفهوم داغ براساس برداشت های ذهنی و تفاسیر کنش‌گران از این مفهوم را در جامعه ورزشکاران معلول ایرانی ارائه دهد. مشارکت کنندگان در این پژوهش ۶۵ ورزشکار معلول از تیم های پارالمپیک بودند که با استفاده از شیوه نمونه گیری نظری و قضاوتی به صورت حضوری و داوطلبانه انتخاب شده اند. با استعانت از مصاحبه های باز و نیمه ساختاریافته داده های تحقیق براساس محورهای سه گانه پرسش (چیست و چرا و چگونه) گردآوری گردیده است. مجموعه ای از مضامین اولیه طی فرایند کدگذاری باز، گردآوری و از بطن آن‌ها مقوله هایی استخراج گردید. سپس در مرحله کدگذاری محوری، پیوند

۱- دانشجوی دکترای جامعه شناسی ورزش، گروه جامعه شناسی ورزش، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- دانشیار، گروه جامعه شناسی ورزش، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Dr.b.ghadimi@gmail.com

۳- دانشیار، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۴- استادیار، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۵- دانشیار، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

● فهم جامعه شناختی داغ ننگ در ورزش معلولان شهر تهران

میان مقوله ها ذیل عناوین شرایط علی، پدیده محوری، مقوله راهبردی، شرایط زمینه ای، مقوله میانجی و مقوله پیامدی در قالب مدل پارادایمی کوربین اشتراس تنظیم شد. نتایج پژوهش به ۶ مقوله اصلی و ۳۹ زیر مقوله و در مرحله کدگذاری گزینشی، اجزای پارادایم کدگذاری تشریح و نظریه خلق شد.

یافته ها نشان می دهد که داغ ننگ به عنوان یک برساخته اجتماعی بر هنجارهای جامعه ورزشی و طرد اجتماعی در این افراد و جلوگیری از شرکت فعالانه آنها در عرصه های اجتماعی - ورزشی نقش ایفا می کند.

واژگان کلیدی: داغ ننگ، فهم جامعه شناختی، ورزش و معلول ورزشکار.



مقدمه

مروری بر تاریخچه معلولیت نشان می دهد که در هر دوره ای از تاریخ، در هر فرهنگ و تمدنی و طبقات اجتماعی، افرادی وجود داشته اند که از نظر فعالیت های اجتماعی و جسمانی کنش های ذهنی پایین تر از حد طبیعی عمل نموده و هرچند نیازمند توجهات ویژه ای بوده اند (اسد، ۱۳۸۴: ۲). طبق آمارهای که به تازگی از طرف سازمان بهداشت جهانی وابسته به سازمان ملل متحد منتشر شده است، ده درصد از مردم جهان به نوعی معلول اند. امروزه سعی می شود هرچه بیشتر به این افراد کمک شود تا بتوانند به طور مستقل و بدون کمک دیگران، بدون آنکه خود را سربار جامعه احساس کنند و یا منزوی باشند، به زندگی عادی خود بپردازند. معلولان به دلیل محدودیت هایی که دارند (با توجه به نوع معلولیت) حتماً باید با ورزش کردن با هدف، نیازهای حرکتی خود را برطرف کنند. هدف از ورزش تنها اهداف فیزیولوژیکی نیست، بلکه ورزش یکی از بهترین و مهم ترین امکانات برای جلوگیری از منزوی شدن معلولان جامعه است (جلالی فراهانی، ۱۳۸۸: ۱۲). نیاز به ورزش و تأثیر سلامتی آن در افراد معلول، بسیار بیشتر از افراد سالم احساس می شود. بی تردید ورزش، عاملی است که معلولان را به سطح جامعه می کشاند و آنان را در انجام فعالیت ها، مستقل می سازد. امروزه افراد معلول در سطح وسیعی در فعالیت های اجتماعی و مسابقات شرکت دارند و هویت خود را به جامعه شناسانده اند. هم اکنون ۱۰۰ سال از ابداع ورزش های معلولان می گذرد. در تحقیقاتی که برای سلامتی این افراد انجام شد، مشخص گردید که ورزش یکی از بهترین درمان های معلولیت است. ورزش درمانی قدم اول برای ابداع ورزش های معلولان بود که سپس به مسابقات و رقابت های ورزشی ختم شد (اسد، ۱۳۸۴: ۲۰۴). اصطلاح معلولیت در ورزش، به این منظور به کار گرفته شده تا بر مسایل مربوط به برجسب زدن، داغ ننگ، هویت و سیستم های طبقه بندی چه با هدف مشارکت و چه عدم مشارکت، تأکید شود. معلولیت، پارادایمی است که ساختاری اجتماعی دارد و توسط نظام های طبقه بندی ورزشی و فرهنگی که خود می توانند نهادینه شوند و عمومیت یابند، توزیع می شوند (شینک، ۱۹۶۶: ۱۶۰). روند تکامل ورزش معلولان با بهره گیری از چنین نگرشی، پویایی را به عنوان یک انگیزه قوی در فعالیت های ورزشی به کار گرفت. رقابت در ورزش های معلولان بر مبنای دو اصل اساسی انجام می پذیرد: ۱- میزان توانمندی هر فرد از ورزشکاران حاضر در مسابقات؛ ۲- رقابت عادلانه بر مبنای برابر بودن فرصت ها برای ورزشکاران (اسد، ۱۳۸۴: ۱۷۶). در این نگرش داغ ننگ یک نیروی اجتماعی موذی است که هم در ورزش معلولان و معلولان ورزشکار وجود دارد ولی این وجود عینی تری در ورزش معلولان به خود می گیرد و برای احیا و توسعه ورزش معلولان، پدیده داغ ننگ یک آسیب و مانع بزرگی است و نمی گذارد پیشرفت اتفاق افتد و برابر سازی فرصت ها برای همه ورزشکاران در مسابقات ورزشی فراهم آورد. فرد معلولی که با معلولیت خود دست و پنجه نرم می کنند، نه تنها باید تاوان محدودیت جسمانی را بدهد (مثل کوری، کری، فلج دو پا)، بلکه باید بر موانع اجتماعی ویژه نیز چیره شود، یکی از این موانع احساس داغ ننگ است که تنها می تواند در درون ساختار اجتماعی وجود داشته باشد و یک برساخته ای اجتماعی. فرهنگی سیال و زنده است (عباداللهی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۸). براساس تعریف گافمن، داغ ننگ ویژگی یا صفتی است به شدت بدنام کننده یا ننگ آور که قدرتش نه در ذات خویش بلکه در بطن روابط اجتماعی نهفته است، صفتی که می تواند فرد حامل آن را از شخص کامل و معمولی به شخص لکه دار شده و بی ارزش تبدیل کند. (لوئیس و مکاران، ۲۰۱۱: ۱۳۵۱). داغ ننگ یک برجسب اجتماعی است که راه نگرستن فرد به خود را تغییر می دهد و وی

را از پذیرش اجتماعی کامل توسط دیگران سلب صلاحیت می کند. (رایت و همکاران، ۲۰۰۷: ۹۳). این شرایط گاه چنان بر فرد چیره می شود که حتی خود فرد نیز بر خود انگ خوردگی می زند. از ویژگی های داغ ننگ، نسبی بودن آن است، یعنی صفتی که داغ ننگ بر پیشانی فردی می زند بسته به بستری است که فرد در آن زیست می کند و از جامعه ای به جامعه دیگر و از زمانی به زمانی دیگر بر مبنای هنجارها و انتظارات حاکم که از کانال های گوناگونی بر فرد اعمال می شوند، متفاوت است (قانع عزآبادی، ۱۳۹۳: ۳۰۶). در واقع، داغ ننگ یک فرایند بی اعتبارکننده است که پنج مؤلفه اصلی را در برمی گیرد: برچسب زدن، کلیشه شدن (رفتارهای قالبی)، جدایی (تفکیک، انفصال)، تنزل پایگاه و تبعیض است که می تواند زمینه های اجتماعی گسترده تری را در وقوع این فرایند در نظر گرفت (وانگ و همکاران، ۲۰۱۰: ۸۵).

در اینجا به برخی از پژوهش ها در این زمینه اشاره می شود.

در پژوهشی که جانسون و همکاران (۲۰۰۷) انجام داده اند، صرفاً به مشارکت ورزشی فرد معلول با دیگران پرداخته اند و به این نتیجه رسیده اند که شرکت در هر نوع فعالیت ورزشی توسط افراد معلول، بستگی به دوستی ها و روابط با دیگران دارد. حمایت قوی دوستان و خانواده ها می تواند سبب مشارکت آنان در فعالیت های ورزشی به طور منظم شود و این مطالعه نشان داده است که عواملی مانند تحصیلات، مذهب، جنسیت، زندگی در شهر یا روستا و سطح پیشرفت و توسعه کشور بر داغ ننگ مشارکت ورزشی فرد معلول تأثیر دارد.

ترجا و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهشی به جنسیت و نقش آن در ورزش معلولان پرداخته اند. آن ها دریافتند که به زنان دارای معلولیت بیشتر از مردان دارای معلولیت، نادیده گرفته می شود و پیامدهای داغ ننگ از جمله عصبانیت، سرخوردگی و خجالت در آن ها بیشتر است.

سبحانی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی تنها به عوامل مؤثر و موانع مشارکت ورزشی معلولین شهر اهواز می پردازند که در بین موانع مشارکت ورزشی معلولان عوامل اقتصادی، محیطی (حمل و نقل)، امکانات و تجهیزات را مهم ترین موانع می دانند. پژوهشی که یاموسی و همکاران (۱۳۹۰) انجام داده اند، مهمترین موانع مشارکت ورزشی معلولین را عوامل مربوط به امکانات و تجهیزات، عوامل سیاسی و ... دانستند. نوش آبادی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی تنها به بررسی ارتباط بین اضطراب صفتی رقابتی با عملکرد ورزشکاران زن معلول در ورزش های انفرادی شهر تهران با بررسی جنبه های روان شناسی داغ ننگ در ورزش معلولان پرداخته اند. پژوهشی که نادری و همکاران (۱۳۹۵) انجام داده اند تنها به بررسی مقایسه کیفیت و رضایت از زندگی، عزت نفس و رشد اجتماعی معلولان ورزشکار و غیر ورزشکار است که به جنبه های روان شناسی داغ ننگ در ورزش معلولان اشاره کرده اند. آن ها بیان کرده اند که ورزش و فعالیت های بدنی می تواند موجب افزایش عزت نفس، رشد اجتماعی، کیفیت زندگی و رضایت از زندگی در معلولان ورزشکار شود. زرنندی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی که انجام داده اند به شناسایی موانع مشارکت جانبازان و معلولان استان البرز در ورزش پرداخته اند که موانع شهری (حمل و نقل) مهم ترین عامل بازدارنده مشارکت معلولان و جانبازان در ورزش می باشد. پژوهش حاضر را شاید بتوان گفت که از زاویه ای به طور نسبی جدیدتر با رویکرد کیفی به مقوله تبیین جامعه شناختی داغ ننگ در ورزش معلولان که همزمان به انواع تبعات داغ ننگ علل، بستر و شرایط دخیل و پیامدها و راهبرد ها و ارائه راه کارهایی در جهت کاهش این داغ ننگ که منجر به توسعه و اعتلای ورزش معلولان می شود، پرداخته است. در واقع، این پژوهش در نوع خود مطالعه جدیدی است که نسبت به پژوهش های پیشین فاقد بررسی این تنوع با هم بوده است و تنها از یک جنبه به تبعات قضیه مورد پژوهش مورد نظر ما

پرداخته اند، نوآوری کار تحقیق در این می باشد که در شرایط ساختاری و اجتماعی ایران با یک دید چند بعدی به این مسأله داغ ننگ و پیامدهای آن هم از نوع بهره کشی ابزاری که در جامعه ورزشی و تیم های ورزشی پارالمپیک اتفاق می افتد، پرداخته است و شرایط کنش فرد ورزشکار معلول را پیچیده و بحرانی می کند و بی توجهی به این پدیده آسیب های فراوانی برای جامعه ورزش معلولان رقم می می زند و نتایج حاصل از آن در شکل تحدید و تضعیف توانایی ها و استقلال ورزشکار معلول و پیامد طرد اجتماعی و از خودبیگانگی در ورزشکار معلول، سلب فرصت کم جهت شکوفا شدن استعدادهای نهفته ورزشکار معلول می باشد.

پرسش اصلی پژوهش

مدل پارادایمی سیستماتیک جامعه شناختی داغ ننگ در ورزش معلولان چگونه می باشد براساس تفاسیر و برداشت های ذهنی کنشگران اجتماعی (سوژه ها) از واقعیت موضوعی (داغ ننگ) چیست؟ (داغ ننگ براساس تعاریف، تفاسیر و درون فهمی سوژه های مورد مطالعه از مفهوم داغ ننگ به شیوه استفهامی چیست؟)

پرسش های فرعی پژوهش

- شرایط علی مؤثر بر داغ ننگ در ورزش معلولان از منظر کنشگران اجتماعی چگونه اند؟ (شرایط علی داغ ننگ)
- پدیده محوری یا عوامل مؤثر بر داغ ننگ در ورزش معلولان و عاملان استمرار و تداوم آن از منظر کنشگران اجتماعی چیست؟ (پدیده محوری)
- شرایط زمینه ای ایجاد عوامل مؤثر بر داغ ننگ در ورزش معلولان از منظر کنشگران کدام اند؟
- شرایط میانجی و مداخله گر مؤثر بر پدیده (داغ ننگ) و اتخاذ راهبردها (کنش و تعامل) از منظر کنشگران کدام اند؟
- کنش و کنش متقابل (جامعه، ورزشکاران معلول) در قبال پدیده (داغ ننگ) از منظر کنشگران کدام اند؟
- پیامدهای حاصل از پدیده (داغ ننگ) از منظر کنشگران چیست؟

در نظریه کلان مدل اجتماعی با نگاه واقع گرایانه و بر ساخت گرایانه، معلولیت را در محیط اجتماعی خود فهم می کند. این مدل از دریچه فرهنگ و جامعه به مسئله معلولیت می نگرد و هم علل معلولیت، هم فرایند تعریف معلولیت و هم نتایج و پیامدهای معلولیت را تحلیل می کند. موضع واقع گرایانه مدل اجتماعی معلولیت را انکار نمی کند و شرایط وجودی و هستی شناختی آن را می پذیرد، اما معتقد است که فرایند تعریف معلولیت در تعاملات اجتماعی شکل می گیرد. در واقع، این رویکرد نظام اجتماعی را در مقابل فرد معلول مسئول می داند (ایتزن و همکاران، ۲۰۱۲). بر این اساس داغ ننگ که درون روابط رو در رو اتفاق می افتد، در حوزه ورزشی با توجه به زمینه های اجتماعی و هنجارهای فرهنگی جامعه، مصادیق متفاوت را در بر می گیرد که می توان در سه سطح ساختاری، اجتماعی و درونی شده طبقه بندی کرد (لیوینگستون و بوید، ۲۰۱۰: ۲۵۱). داغ ننگ ساختاری که داغ ننگ سازمانی نیز نامیده می شود در سطح کلان رخ می دهد و به قوانین، سیاست ها و رویه هایی اشاره دارد. داغ ننگ اجتماعی به منزله یک داغ ننگ عمومی یا تصویب شده در سطح گروهی تعریف می شود. در این سطح (سطح میانی) ما شاهد باورها و عقاید کلیشه ای منفی و کنش هایی علیه گروه داغ خورده توسط گروه بزرگ تر هستیم. داغ ننگ درونی شده نیز به دو نوع

داغ ننگ معطوف به خود یا داغ ننگ ادراک شده اشاره دارد که در سطح فردی تعریف می شود (همان: ۲۵۲).

از نگاه نظریه تعریف اجتماعی، برچسب زدن شخص معلول ورزشکار منجر تغییراتی در هویت خویشان آنان می شود و علاوه بر این مردم عادی جامعه با انگ زنی و سنج‌بندی معلولان باعث می‌شوند که رنج معلولیت آن‌ها چند برابر شود. یکی از تبعات داغ ننگ، برچسب‌ها، متلک‌ها و مسخره کردن‌های ترحم (حرف‌ها و نگاه‌های ترحم‌آمیز)، زل زدن‌ها، است، نگرش انگ زنی ریشه در کنش متقابل نمادین دارد (محسنی تبریزی، ۱۳۹۶: ۳۶۲). فرد ورزشکار معلول، کافی است که در فعالیت ورزشی خود بد بازی کند، فرایند داغ ننگ خوردن از طرف مربی و هم تیمی‌های ورزشی به طرفش سرازیر می‌شود. این داغ ننگ در فضا و میدان و جامعه ورزشی اتفاق می‌افتد. یکی از تبعات داغ ننگ، تبعیض است تبعیض از واژه لاتین *discriminatio* مشتق شده است که به معنای رفتار فردی که فرصت‌های یک گروه خاص را محدود می‌کند (پتیگرو و تایلر، ۲۰۰۰: ۸۷)، تبعیض با تعصب (نگرش‌ها و برچسب‌ها)، رفتارهای قالبی و داغ ننگ و ایدئولوژی‌هایی که ممکن است با زیان‌هایی علیه قربانیان همراه باشند، فرق دارد (پیچر و شفرد، ۲۰۰۸: ۹۳). داغ ننگ را می‌توان تأکید بر پیوندهای ذهنی و عینی کنشگران اجتماعی دانست ولی تبعیض، تمرکز آن بر رفتار است (لینک و فلان، ۲۰۰۶: ۲۹). تبعیض را باید مادر ناتوانی معرفی کنیم، باید به ماهیت این پدیده اجتماعی، توجهی جامعه‌شناختی داشته باشیم (پتیگرو و تایلر، ۲۰۰۰). اولین و مهم‌ترین پیامد تبعیض علیه معلولان ورزشی، ناتوان کردن یا به استضعاف کشیدن آن‌هاست. تحمیل برچسب ناتوانی به این افراد از سوی جامعه، صرف نظر از استثناها، عاملیت ایشان را تحت الشعاع قرار می‌دهد و موجب پذیرش این برچسب از سوی ایشان می‌شود. بدین سان تبعیض، ناتوان تولید می‌کند (پیچر و شفرد، ۲۰۰۸: ۱۳۳)، اما نظریه انتقادی در سطح بالاتر و عمیق‌تر، این رویه را فرایند پروبلماتیک شدن معلولیت توسط گفتمان نظام سرمایه داری می‌داند. بسیاری از فراساختارگرایان و فوکو اندیشان معتقدند که معلولیت یک موضوع گفتمانی است که در دوران حاکمیت نظام سرمایه داری شکل گرفته است. آن‌ها خطوط پیوند بین قدرت و دانش را در معلولیت ردیابی می‌کنند. اهمیت مدل اجتماعی معلولیت زمانی است که نشان دهد معلولیت به عنوان یک مسئله اجتماعی چگونه می‌تواند تلقی شود و پیامدهای خاصی برای فرد معلول ورزشکار، خانواده او و جامعه ورزشی داشته باشد (ترمان، ۲۰۰۵: ۱۶۸).

روش شناسی پژوهش

ماهیت تفهیمی داغ ننگ و نسبت محقق با وجوه ذهنی این واقعیت ایجاب کرده که از پارادایم برساخت‌گرایی تفسیری استفاده شود. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی در مطالعه تعریف اجتماعی داغ ننگ در ورزش معلولان متضمن پیش فرض‌های خاص خود است. براساس دیدگاه برساخت‌گرایی تفسیری، از لحاظ هستی‌شناسی، داغ ننگ، یک پدیده که وابسته به تجربه انسان و تفسیر اوست و به طور اجتماعی ساخته می‌شود و می‌تواند معانی مختلفی داشته باشد. از لحاظ معرفت‌شناسی پژوهشگر از طریق تعامل با موضوع مورد پژوهش، به شناخت آن نایل می‌شود و لذا از لحاظ روش شناسی دارای ابعاد و تفسیرهای گوناگون می‌باشد (بازرگان هرندی، ۱۳۸۹: ۱۹). در این پژوهش از طریق نمونه‌گیری نظری و قضاوتی تعداد آن‌ها تعیین گردیده است. شاخص انتخاب نمونه به این صورت بود: ۱- ورزشکار معلول از تیم‌های پارا المپیک که یک سال فعالیت ورزشی در تیم داشته و در مسابقات مقدماتی قهرمانی نیز شرکت کرده باشد. ۲- ورزشکار معلول

مورد نظر رضایت برای حضور در مصاحبه را داشته باشد. اندازه نمونه در این پژوهش بر مبنای شاخص اشباع نظری برابر با ۶۵ نفر بود. هنگامی که اشباع نظری رخ می دهد محقق نمی تواند اطلاعات بیشتری را به موارد قبلی اضافه کند و محقق شاهد الگوهای تکراری داده ها خواهد بود در این وضعیت نمونه گیری خاتمه می یابد، چرا که نمونه های بیشتر به بسط تحقیق و تبیین بیشتر آن کمکی نمی کنند. در این روش محقق پس از استخراج ۶۵ تا مصاحبه های عمیق نیمه ساختار یافته و بدون ساختار از سوژه ها (جامعه مورد مطالعه) پرسش هایی در محورهای سه گانه «چیست»، «چرا» و «چگونه» با در نظر گرفتن الزامات مربوط به تنظیم مدل پارادایمی در باب پدیده مورد مطالعه (داغ ننگ) پرسیده شده است. شرکت کنندگان در حدود ۲۰ تا ۴۵ ساله بودند و در باشگاه ورزشی شیرودی تهران در رشته های پارالمپیک ورزشی بازی می کردند (جدول ۱). مدت مصاحبه با هر معلول ورزشکار ۳۰ دقیقه بوده است در این پژوهش، اهداف آن به مشارکت کنندگان تبیین و به آن ها در زمینه محرمانه بودن مصاحبه (ضبط صدای مصاحبه شوندگان) و حفظ رازداری، اطلاعات شخصی که هویت مصاحبه شوندگان را افشا نکند، اطمینان خاطر داده شد و به منظور ارتقای ضریب اطمینان حفظ اطلاعات شخصی افراد حتی محتوای مصاحبه ها توسط پژوهشگر تایپ و در فایل های مخصوص نگهداری شده است. پس از آن داده های گردآوری شده با توجه به شیوه کدگذاری که استراوس و کوربین توسعه داده اند (کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی) کدگذاری گردیدند. طی این سه مرحله کدگذاری داده ها (جدول ۲، جدول ۳، جدول ۴)، به تدریج از دل کدها، مفاهیم، از دل مفاهیم، مقوله ها و از دل مقوله ها نظریه استخراج گردید. این پارادایم در برگیرنده ابعادی چون: عوامل علی، پدیده، شرایط زمینه ای، شرایط میانجی، کنش یا راهبردهای کنش و پیامدهاست.

جدول ۱. وضعیت مصاحبه شوندگان در رشته های پارالمپیک ورزشی

رشته های پارالمپیک ورزشی	بسکتبال با ویلچر	والیبال نشسته	روی میز تنیس با ویلچر	تنیس			جمع دو و میدانی کل
				تیراندازی	جودو	تیر و کمان	
مرد	۵	۱۰	۵	۵	۲	۵	۳۵
زن	۵	۱۰	۵	۵	۲	۵	۳۵

جدول ۲. کد گذاری باز

ردیف	گزاره	کد	مقوله (مقوله سازی سطح اول)
۱	گاهی وقت ها احساس طرد شدن از تیم و تنهایی به من دست می دهد که هیچکس به من توجه نمی کند و به من اهمیت نمی دهند و باعث می شود که دیوار اعتماد فرو ریزد و حس بی اعتمادی به من دست می دهد .	IN-EN-07-01	عدم اعتماد به نفس

۲	در محیط باشگاه معلولان ورزشی ام گاهی بین من و بچه ها اختلاف و کدورت پیش میاد و اگر درست بازی نکنیم و یا بازی را خراب بکنیم و بازنده شویم به همدیگر متلک می گویم و از کلمات (کودن، احمق، بی عرضه، عقب مانده ذهنی، چلاق، دست و پاچلفتی، بیمار بدبخت، احمق پیر، ناقص العضو و ...) استفاده می کنیم که خیلی ناراحت می شوم.	IN-EN-04-02	برچسب، متلک، مسخره
۳	گاهی وقتها مربی تبعیض قایل می شود بین من و بقیه بچه های ورزشکار و این حس بسیار بدی به من دست می دهد و فکر می کنم که مربی توانایی های مرا نادیده گرفته است.	IN-EN-03-03	تبعیض مربی
۴	گاهی وقتها بچه های ورزشکار علاوه بر متلک پرانی ها و فحش های که می دهیم، از عمل تنبیهی استفاده می کنند و در بازی مرا کمتر مشارکت می دهند و یا به من پاس نمی دهند.	IN-EN-07-04	طرد شدن
۵	و گاهی وقتها احساس طرد شدن از تیم و تنهایی به من دست می دهد که هیچکس به من توجه نمی کند و به من اهمیت نمی دهند و باعث می شود که دیوار اعتماد فرو ریزد و حس بی اعتمادی به من دست می دهد. حذف شدن از فعالیت های دوستانه بدون اطلاع دادن به من خیلی سنگین است و آدم را می شکند؛ بعضی وقت ها حس می کنم هر چه تلاش می کنم دیده نمی شوم.	IN-EN-09-05	عدم توجه و محبت کردن
۶	و گاهی وقتها در آن تایمی که مربی به من زمان بازی کمتری می دهد من سعی می کنم بهترین بازی را داشته باشم که مورد توجه همه قرار بگیرم و حس برتر بودن من در تیم ثابت شود و خودم را غالب بکنم بر مربی تا بیشتر به من توجه و اهمیت دهد.	IN-EN-01-06	تخفیف داغ ننگ
۷	وقتی یک بازی را خراب می کردم و ضعیف بازی می کردم خیلی ناراحت می شدم و می رفتم به گوشه ای می نشستم و تو خودم می ریختم.	IN-EN-06-07	خود خوری
۸	من برای پیشبرد رفتار و متمرکز کردن توجه ام به روی عناصر کلیدی اجرا، عمل، (تکنیک، تکتیک، احساسات و غیره) با خودم صحبت می کنم.	IN-EN-07-08	عملکرد ورزشی
۹

جدول ۳. بسامد و تکرار مقولات

تکرار	مقولات
۱۵ و ۲۰ و ۲۲ و ۲۸ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۵	عدم اعتماد به نفس
۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۲۷ و ۳۳ و ۳۹	برچسب، متلک، مسخره
۳ و ۶ و ۱۳ و ۱۶ و ۲۱ و ۲۴ و ۲۵ و ۳۴	تبعیض مربی
۴ و ۷ و ۱۴ و ۱۷ و ۲۳ و ۳۲ و ۳۶	طرد شدن
۱۸ و ۲۶ و ۳۷	عدم توجه و محبت کردن
۸ و ۹ و ۲۹ و ۳۸ و ۴۰ و ۴۴	تخفیف داغ ننگ

خود خوری
عملکرد ورزشی

۴۱ و ۴۲ و ۶۳ و ۶۴
۴۳ و ۴۵ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۵

جدول ۴. کدگذاری محوری

مضامین مشترک چندعبارت	مقوله ی سطح یکم	خوشه مقوله ای
از حالت ترحم و زل زدن دیگران در خصوص قیافه و اندام ناراحت می شوم. در تیم ورزشی ام اطرافیانم به من زل می زنند. اغلب افراد فقط به دلیل اینکه من معلولیت دارم با من همانند یک کودک رفتار و مراقبت می کنند. انجام ورزش به من کمک می کند که ظاهر خوبی داشته باشم با انجام ورزش می توانم با خشونتتی که از اطرافیان و جامعه نسبت به من اعمال می شود از خود دفاع کنم. موفقیت در این رشته ورزشی برای من درآمد ایجاد می کند. در تیم ورزشی ام اطرافیانم به من متلک می پرانند. در تیم ورزشی ام اطرافیانم من را مسخره می کنند. در تیم ورزشی ام اطرافیانم به من حالت ترحم دارند در تیم ورزشی ام اطرافیانم به خاطر معلولیتیم با حرف ها و رفتارشان مرا تنبیه و آزارده خاطر می کنند دیگران معلولیتیم را نتیجه گناه والدینم می دانند معلولیتیم را عذاب الهی و گناه نابخشودنی از طرف خداوند می دانم.	ترحم، زل زدنها، تصویر بدن نگاه ایزاری به بدن	شرایط علی داغ تنگ
	تنبیهات و مجازات	
	تقصیر والدین	
	احساس گناه	

من که دچار عارضه معلولیت شدم احساس گناه

می کنم
معلولیت من تقصیر والدینم است

خانواده ام نسبت به من نگرش منفی دارد

من از شکل (تیپ) بدنی خویش ناراضی هستم فرایند درمانی و

توانبخشی و روانپزشکی معلولیت من ناقص اجرا شد

مردم به دلیل اینکه من معلولیت دارم علیه من تبعیض قائل می شوند به دلیل اینکه من

معلولیت دارم، افراد من را نادید می گیرند یا کمتر جدی می گیرند. به دلیل اینکه من معلولیت دارم، افراد علاقه به نزدیک شدن به من ندارند.

به دلیل اینکه من معلولیت دارم، دیگران فکر می کنند که من نمی توانم در زندگی به جایی برسم. من بخاطر عارضه

معلولیتم نسبت به افرادی که معلولیت ندارند حسادت می کنم

خانواده ام از معلولیتم برای جلب منافع قوانین حمایتی که شامل خانواده ما شود از من سوء استفاده می کنند

جامعه نسبت به فرد معلول نگرش منفی دارد اعتقادات و باورهای

منفی جامعه نسبت به فرد معلول آزاردهنده است اطرافیانم از مشکلات یک فرد معلول آگاهی ندارند

سازمان بهزیستی و فدراسیون ورزش معلولان از

تقصیر والدین

نگرش منفی خانواده نسبت به فرد معلول

ناراضی بودن از بدن خود

فرایند درمانی ناقص

تبعیض ساختاری

تنبیهاات

نگرش منفی نسبت به فرد معلول

حسادت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

نگرش منفی حاکم برجامعه نسبت به فرد معلول

اعتقادات و باورهای سنتی و مذهبی

عدم آگاهی اطرافیان

عدم حمایت سازمان نهادی

شرایط زمینه ای
داغ ننگ

افراد معلول حمایت لازم را
انجام نمی دهند
فضای شهری برای
معلولان امکانات لازم را
فراهم نکرده است
امکانات حمل و نقل
مناسبی برای معلولان وجود
ندارد

عدم مناسب سازی فضای شهری

ضعف حمل و نقل

فضای جامعه برای فرد
معلول نا امن است
تجهیزات توانبخشی
بهزیستی برای معلولان کافی
نیست

ضعف امنیت

ضعف تجهیزات توانبخشی

وسایل ارتباط جمعی
ویژه معلولان وجود ندارد
مشاغل مناسب برای
معلولان فراهم نیست

وسایل ارتباط اجتماعی

وضعیت اقتصادی

مربی ام بر روی ضعف
جسمانی معلولیت را در
هنگام تمرین و بازی به رخ
می کشد. مربی ام در مقایسه با
سایر ورزشکاران زمان لازم
را به من برای انجام تمرین و
بازی اختصاص نمی دهد
مربی ام در مقایسه با سایر
ورزشکاران مرا تحقیر می
کند. مربی ام نسبت به سایر
ورزشکاران مرا کمتر تشویق
می کند

تبعیض مربی

پدیده داغ ننگ

مربی ام مبلغ قرارداد مالی
و پاداش کمتری نسبت به
سایر ورزشکاران به من می
دهد. مربی ام نسبت به سایر
ورزشکاران فعالیت های مرا
کمتر رسانه ای می کند

مربی ام مرا به اردوهای تیم
ملی و سایر اردوهای مهم
کمتر دعوت می کند

مربی ام وظایف و نقش های
کم اهمیتی را در تیم به من
واگذار می کند

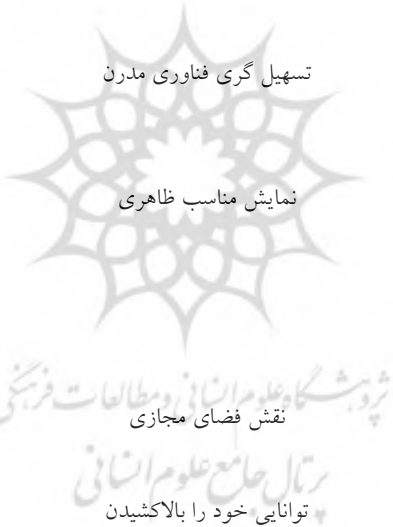
خانواده ام پشتیبان من
در انجام ورزش هستند.

حمایت خانواده



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شرایط مداخله گر داغ ننگ	حمایت تامین مالی خانواده	حمایت مالی خانواده در حسن انجام تمرینات ورزشی مهم است
	حمایت مربی	مربی ام من را در انجام تمرینات ورزشی حمایت می کند
	حمایت دوستان	دوستان و همکاران ام مرا در انجام تمرینات ورزشی حمایت می کنند
	نقش فدراسیون	فدراسیون معلولان من را در انجام تمرینات بدنسازي حمایت می کند جو و محیط حاکم بر باشگاه ورزشی مشوق من در انجام تمرینات ورزش ام است
	نقش فناوری مدرن	فناوری ارتباطی نوین در اجرای تمرینات ورزش من اهمیت دارد
	تسهیل گری فناوری مدرن	فناوری ارتباطات و اطلاعات در دیدگاه جامعه نسبت به ورزش معلولان نقش مهمی دارد
راهبردها داغ ننگ	نمایش مناسب ظاهری	جهت نمایش مناسب ظاهری ام : استفاده از تنو مهم است . استفاده از پیرسینگ مهم است . آرایش های جدید موی سر مهم است . انتخاب لباس مهم است
	نقش فضای مجازی	برای من حضور فعال مانند اینستا در شبکه های اجتماعی مهم است ورزش نگرانی ناشی از ناتوانی و عدم کارایی را در من تسکین می دهد
	نقش فضای مجازی	ورزش معلولان عکس العمل جامعه نسبت به آنها را اصلاح می کندبرایم اهمیت دارد. دوست دارم توانایی خود را بالا بکشم و خودم را بر دیگران اثبات کنم استفاده از فناوری مدرن بر ای جبران ضعف های معلولان مناسب می باشد



اغلب اوقات من به خاطر معلولیتم خود خوری می کنم اغلب اوقات در بین دوستان و ورزشکاران معلولم، در حین بازی ورزشی، مشاخره و دعوا پیش می آید اغلب اوقات در بین دوستان و ورزشکاران معلولم، در حین بازی ورزشی، اختلاف و کدورت و قهر پیش آمده است اغلب اوقات من به خاطر معلولیتم عقده های درونی ام را سرکوب می کنم در فضای مجازی در معرفی خود دوست دارم معلولیت خود را پنهان کنم اغلب اوقات من با معلولیتم و نقض عضو جسمی بدنم همذات پنداری می کنم من توانایی بالایی در برقراری ارتباط مثبت با دیگران را دارم من انگیزه ای برای ادامه دادن زندگی ندارم. برای ادامه دادن تحصیل ندارم. من انگیزه ای برای ادامه دادن ورزش ندارم من هنوز نتوانستم با معلولیت خود کنار بیایم من به خاطر معلولیتم می ترسم که دچار شکست عشقی شوم من به خاطر معلولیتم از خودم متنفرم من همواره می ترسم که تنها بمانم من همواره احساس طرد شدن از تیم را دارم من همواره هراس از حذف شدگی از یک رابطه دوستانه را دارم	خود خوری مشاخره دعوا اختلاف و کدورت و قهر بین ورزشکاران معلول در بازی سرکوب کردن عقده درونی معلولیت خود را پنهان کردن همذات پنداری با نقض عضو جسمی معلول توانایی اثبات خود بر دیگران اعتماد به نفس ناشی از تصویر معلولیت ناراضی بودن از بدن خود ترس از شکست عشقی متنفر بودن از خود ترس از تنها بودن احساس طرد شدن از تیم هراس از حذف شدگی در رابطه دوستانه	پیامدها داغ ننگ
---	--	-----------------

محتاط تر عمل کردن	من همواره در زندگی و کارهایم محتاط عمل می کنم
منزوری و گوشه گیر بودن	من همواره منزوی و گوشه گیر هستم
ترس از شکست عشقی	من از طریق ورزش توانسته ام شریک زندگی پیدا کنم

قابلیت اعتماد

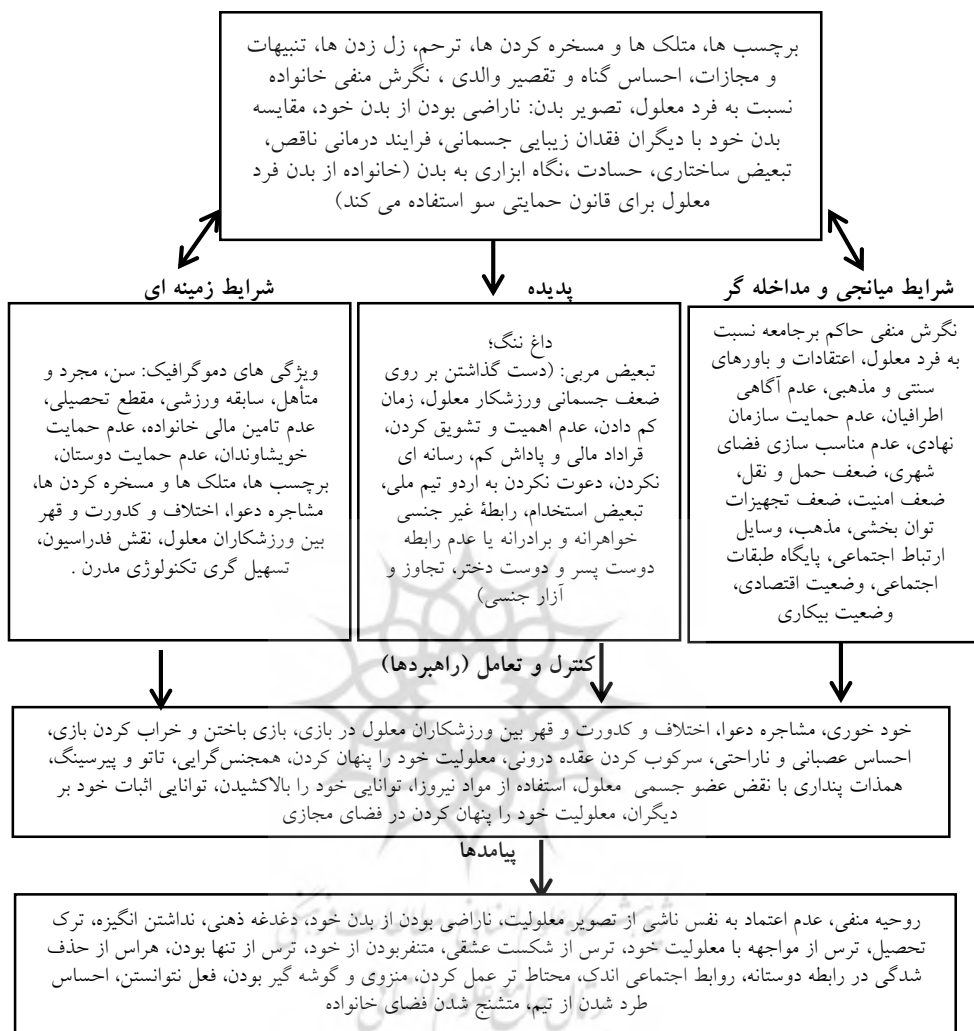
دستیابی به اعتماد (معادل اعتبار در تحقیقات کمی) در پژوهش حاضر به چند روش صورت گرفت: استفاده از تکنیک ممیزی: در این روش چند متخصص و صاحب نظر که در کار کیفی تجربه داشتند بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم سازی، استخراج مقولات و برداشت‌های محقق نظارت کردند.

۲- زاویه بندی نظری: این شیوه توسط دنزین پیشنهاد شده است. در این شیوه از نظریات و رویکردهای نظری مرتبط با موضوع تحقیق در مرحله توسعه مفاهیم حساس و تنظیم نظام مقولات و نیز برای تحلیل و تفسیر نتایج استفاده می شود (محمدپور، ۱۳۸۸: ۸۵).

۳- ضریب توافقی کاپا: این ضریب ثبات و همبستگی نمرات بین داوران یا ارزیابان مختلف یک موضوع را می سنجد و ضریب توافق نامیده می شود که با ضریب کاپا نشان داده می شود. نتیجه تحلیل نشان می دهد که ۱۰۴ گویه مورد بررسی فرار گرفته است، اندازه توافق ضریب کاپا $0/788$ به دست آمده است. مقدار احتمال آزمون نیز به صورت $P\text{-value} < 0/001$ نشان داده می شود. بنابراین، به این نتیجه می رسیم که داوران در تشخیص گویه ها توافق و در سطح هم نظر بودن بالایی با همدیگر هستند. در سطح معنی داری $\alpha = 0/05$ فرض صفر رد می شود و فرض مقابل که هم نظر بودن داوران می باشد، تأیید می شود. آماره Asymptotic Standard Error خطای استاندارد همبسته و Approximate T آماره تقریبی است که در محاسبه ضریب کاپا به کار می رود. علاوه بر این، در پژوهش حاضر جهت سنجش روایی از معیارهای اسکینر، ادواردز و کوربت (۲۰۱۴) که در جدول ۵، به آن اشاره و استفاده می شود.

جدول ۵. روش های اطمینان از روایی

روش های اطمینان از روایی	نحوه اجرا در این پژوهش
درگیری طولانی مدت	افزایش حساسیت نظری، مشارکت عملی و ارتباط با مشارکت کنندگان برای ارزیابی برداشت های محقق
مشاهده پایدار	مشارکت عملی محقق و حضور در محیط مشارکت و اکتشاف جزئیات تجارب مشارکت کنندگان
بازرسی مجدد مسیرکسب اطلاعات	انجام بازرسی ادواری اطلاعات و کدهای به دست آمده به جهت پیشگیری از سوگیری و اطمینان از صحت، توسط محقق و یک همکار (دانشجوی دکتری) آشنا به موضوع مورد پژوهش
چک کردن با مشارکت کنندگان	بررسی اطلاعات به دست آمده به کمک گروه تحقیق و نظرسنجی از مصاحبه شوندگان در خصوص نتایج
مثلت سازی	استفاده از منابع متعدد برای جمع آوری داده ها
مقایسه مستمر	مقایسه داده های به دست آمده از منابع مورد بررسی با سایر منابع به صورت مستمر در تمام طول تحقیق



شكل ۱. مدل پارادایمی داغ ننگ در ورزش معلولان شرایط علی

یافته های پژوهش

شرایط علی

شرایط علی در نظریه مبنایی به چرایی و چگونگی واکنش سوژه ها به یک پدیده خاص اشاره دارد. از جمله این عواملی که سبب می شوند معلول ورزشكار احساس تبعیض (داغ ننگ) کند، برچسب ها، متلك ها و مسخره كردن ها، ترحم، زل زدن ها، تنبیهات و مجازات، احساس گناه و تقصیر والدین، نگرش منفی خانواده نسبت به فرد معلول، تصویر بدن: ناراضی بودن از بدن خود، مقایسه بدن خود با دیگران فقدان زیبایی جسمانی، فرایند درمانی ناقص، تبعیض ساختاری، حسادت،

نگاه ابزاری به بدن (خانواده از بدن فرد معلول برای قانون حمایتی سواستفاده می کند). در ذیل یکی از روایت های موجود ذکر شده است: «خانم ک.ل. می گوید: در محیط باشگاه معلولان ورزشی ام گاهی بین من و بچه ها اختلاف و کدورت پیش میاد و اگر درست بازی نکنیم و یا بازی را خراب بکنیم و بازنده شویم به همدیگر متلک می گویم و از کلمات (کودن، احمق، بی عرضه، عقب مانده ذهنی، چلاق، دست و پاچلفتی، بیمار بدبخت، احمق پیر، منگل، ناقص العضو و ...) استفاده می کنیم که خیلی ناراحت می شوم».

این یافته ها با پارادایم تعریف اجتماعی و نتایج پژوهش های گافمن، بکر و لمرت و کینگ همسو است. بکر و لمرت مدعی است برچسب زدن اشخاص به عنوان دیوانه، کودن و منگل و امثالهم به تغییراتی در هویت و خود پنداره آنان منجر می گردد. تأثیر برچسب به چگونگی تفسیر عمل توسط دیگران بستگی خواهد داشت. این امر بنو به خود، به شخصی که مرتکب عمل می شود و به زمان و مکان ارتکاب عمل بستگی دارد (تامپسون به نقل از کینگ، ۲۰۰۴: ۸۸).

پدیده محوری

پدیده طرح تئوری است که ممکن است نام طرح یا چارچوب طرح را در بر داشته باشد. مفهومی است که متغیرها را دو به دو در کنار هم قرار می دهد. شرایط علی داغ ننگ براساس اظهارات مصاحبه شونده ها به دو مقوله عمده منجر شده اند: داغ ننگ؛ تبعیض مربی؛ (دست گذاشتن بر روی ضعف جسمانی ورزشکار معلول، زمان کم دادن، عدم اهمیت و تشویق کردن، قرارداد مالی و پاداش کم، رسانه ای نکردن، دعوت نکردن به اردو تیم ملی، تبعیض استخدام، رابطه غیر جنسی خواهرانه و برادرانه یا عدم رابطه دوست پسر و دوست دختر، تجاوز و آزار جنسی) در ذیل یکی از روایت های موجود ذکر شده است: «خانم خ.ض. می گوید: گاهی وقت ها مربی تبعیض قائل می شود بین من و بقیه بچه های ورزشکار، بنظرم مربی بخاطر نوع معلولیتم که می داند ضعف دارم، کمتر مرا بازی می دهد و فکر می کنم که من عملکرد تیم را تضعیف می کنم. گاهی وقت ها مربی زمان بازی بیشتری را به دیگران می دهد و به من زمان بازی کمتری می دهد و این حس بسیار بدی به من دست می دهد و فکر می کنم که مربی توانایی های مرا نادیده گرفته است».

وقتی که ساختارها و نهادها و کنشگران ورزشی (از مربی گرفته تا هم تیمی های ورزشی معلول ورزشکار) نسبت به فرد معلول ورزشکار (بر حسب نقش و جایگاه ورزشی ورزشکار معلول، نوع و شدت معلولیت، جنسیت، شخصیت فرد معلول ورزشکار و بازی خراب کردن ...) فرایند داغ ننگ (برچسب زدن، کلیشه شدن (رفتارها ی قالبی)، جدایی (تفکیک، انفصال)، تنزل پایگاه و تبعیض) می زنند. در واقع، فرد را تنبیه و محصور و تحقیر قرار می دهند و فرد معلول ورزشکار از فرصت ها بازداشته می شود و به نوعی از ورزشکار معلول بهره کشی ابزاری می کنند.

شرایط مداخله گر و میانجی

منظور از شرایط مداخله گر وضعیت هایی است که بر اتخاذ راهبردها و کنش و تعامل تأثیرگذار هستند. در این پژوهش شرایط مداخله گر نگرش منفی حاکم بر جامعه نسبت به فرد معلول، اعتقادات و باورهای سنتی و مذهبی، عدم آگاهی اطرافیان، عدم حمایت سازمان نهادی، عدم مناسب سازی فضای شهری، ضعف حمل و نقل، ضعف امنیت، ضعف تجهیزات توان بخشی، مذهب، وسایل ارتباط اجتماعی، پایگاه طبقات اجتماعی، وضعیت اقتصادی، وضعیت بی کاری است. در ذیل یکی از روایت های موجود ذکر شده است: «خانم م.ت. می گوید: یکی از کارمندان باشگاه ورزشی گفت:

فی الْمَرَضِ يُصِيبُ الصَّبِيَّ، كَفَّارَه لَوْلَا دِيَه: مریضی کودک، کفاره گناهان والدینش می باشد! این جمله تنها جمله ای بود که تو تمام زندگیم منو خیلی ناراحت کرد، خیلی عصبی شدم. هر وقت می بینمش هیچ وقت نزدیکش نمی شم. این به واقعیته یکی برگرده هی به آدم بگه تو کفاره گناه والدین هستی آدم از خودش هم زده می شه متفرد می شه، خودشو به آدم بی ارزش میدونه».

این یافته ها با پارادایم فردگرایانه سلامتی و بیماری، مدل اخلاقی و نتایج پژوهش های برایان ترنر همسو است. برایان ترنر (۲۰۰۰) پایه های نظری مدل اخلاقی را در باورهای جوامع سنتی پیش مدرن جستجو می کند. به زعم او اعتقادات دینی مربوط به خیر و شر (Furtune/ Evil)، طهارت و ناپاکی (purity / Impurity) و مانند آن با سلامت و بیماری مرتبط اند. در این اجتماعات فردی که دچار بیماری یا اختلالی می شود فردی نبود که قواعد و اصول مربوط به بهداشت فردی و با جمعی را رعایت نکرده است، بلکه فردی به شمار می آید که قواعد اخلاقی جامعه را زیر پا گذاشته و از محرمات عدول کرده است. ترنر خاطر نشان می سازد تصورات حاکم بر پدیده بیماری و سلامتی بنا به پارادایم اخلاقی، ملهم از آن دسته تعالیم دینی است که در آن مشیت الهی، خواست خدایان، تقدیر و سرنوشت (فاتالیسم) است. بدین ترتیب مدل اخلاقی با اتخاذ رویکردی فردگرایانه ضمن تقلیل فرد معلول به تراژدی فردیت شخص، معلولیت را ناشی از یک معصیت و گناه می داند که برای آن مجازاتی از سوی عالم بالا و نیروهای فوق بشری در نظر گرفته شده است (زرین کشیان، ۱۳۹۵: ۱۷).

شرایط زمینه ای

شرایط زمینه ای مجموعه خاصی از شرایط اند که در یک زمان و مکان خاص پدید می آیند تا مجموعه اوضاع و احوال یا شرایطی را به وجود آورند که اشخاص یا افراد (گروه ها) با عمل و تعامل های خود به آن ها پاسخ می دهند. از زمینه هایی که در آن راهبردهای مربوط به پدیده داغ ننگ در ورزش معلولان بسط یافته اند، شامل ویژگی های دموگرافیک: سن، مجرد و متأهل، سابقه ورزشی، مقطع تحصیلی، عدم تأمین مالی خانواده، عدم حمایت خویشاوندان، عدم حمایت دوستان، برچسب ها، متلک ها و مسخره کردن ها، مشاجره و دعوا، اختلاف و کدورت و قهر بین ورزشکاران معلول، نقش فدراسیون، تسهیل گری فناوری مدرن. در ذیل یکی از روایت های موجود ذکر شده است: «خانم ن.ت. می گوید: وقتی که با دوستان ورزشی ام بد جور مشاجره و دعوا می کنم به من می گویند: تو الان روی دست خانواده ات تا آخر عمر مانده ای! به مامان جونت بگو که این دختر چلاقش را باید ترشیش بندازی! کی میا تو را بگیره، این جمله تنها جمله ای بود که تو تمام زندگیم منو خیلی ناراحت کرد، خیلی عصبی شدم. وقتی به خودمون می یایم اعصابم داغون می شه. این یه واقعیته یکی برگرده هی به آدم بگه نمی تونی نمی تونی آدم از خودش هم زده می شه متفرد می شه، خودشو به آدم بی ارزش می دونه».

این یافته ها با نتایج پژوهش های جسر و جسر همسو است. به زعم جسر و جسر رفتار به اهداف آموخته شده اجتماعی و کارکردها دلالت دارد و وقوع آن نتیجه منطقی تعامل شخصیت و تأثیرات محیط است. جسر و جسر معتقدند رفتار محصول سه نظام شخصیتی، نظام محیط احساس شده و نظام کنشی سازمان یافته است. این سه نظام در رابطه متقابل با یکدیگر قرار داشته و منجر به نوع آمادگی برای رفتار مسئله دار می گردند که نشان دهنده احتمال بیشتر یا کم تر و نیز نوع رفتار مذکور است (محسنی تبریزی ۱۳۸۳: ۳۱).

کنش و تعامل (راهبردها)

مقصد، فعالیت های هدف گرا که کنشگر در پاسخ به پدیده و شرایط مداخله گر انجام می دهد. از جمله راهبردهای مورد نظر سوژه ها در تحقق پدیده داغ ننگ در ورزش معلولان اشاره شده است، می توان به خود خوری، مشاجره و دعوا، اختلاف و کدورت و قهر بین ورزشکاران معلول در بازی، بازی باختن و خراب کردن بازی، احساس عصبانی و ناراحتی، سرکوب کردن عقده درونی، معلولیت خود را پنهان کردن، همجنسگرایی، تاتو و پیرسینگ، همذات پنداری با نقض عضو جسمی معلول، استفاده از مواد نیروزا، توانایی خود را بالا کشیدن، توانایی اثبات خود بر دیگران، معلولیت خود را پنهان کردن در فضای مجازی. در ذیل یکی از روایت های موجود ذکر شده است: «به عنوان مثال خانم ث.ع. می گوید: همچنین ترس از دست دادن دوستان هم تیمی ورزشی ام برای من غیر قابل تحمل است، ترس از دست دادن رو ما خیلی پررنگ درک کردیم. چون سلامتی مون رو از دست دادیم. اگه بخواد از دست دادن دیگه ایی هم در کار باشه - ناراحت کننده می شه و از درون قلبم می شکند و برای همین ترجیح می دیم که اصلا همچنین اتفاقی نیفته و نظر بقیه دوستانم را به خودم جلب کنم که آن ها نسبت به من نگرش مثبتی داشته باشند».

این یافته ها با پارادایم تعریف اجتماعی و نتایج پژوهش های هوارد کاپلان همسو است. خودپنداره یعنی تصور فرد از خود را محصول دآوری ها و ارزیابی های دیگران مهم پیرامون و دیگران تعمیم یافته می داند. به نظر کاپلان خود محصول دآوری ها و تعاریف دیگران است. از این رو، فرد در آینه جامعه خود را می بیند و ارزیابی می کند. ارزیابی مثبت سبب عزت نفس بالا و ارزیابی منفی موجب کاهش آن و خودخوارانگاری است (محسنی تبریزی ۱۳۸۳: ۵۳).

پیامدها

پیامدها بکارگیری راهبردهاست که ممکن است خواسته یا ناخواسته باشد. موضوع های مورد مطالعه به پیامدهایی در این زمینه اشاره کرده اند: روحیه منفی، عدم اعتماد به نفس ناشی از تصویر معلولیت، ناراضی بودن از بدن خود، دغدغه ذهنی، نداشتن انگیزه، ترک تحصیل، ترس از مواجهه با معلولیت خود، ترس از شکست عشقی، متفر بودن از خود، ترس از تنها بودن، هراس از حذف شدگی در رابطه دوستانه، روابط اجتماعی اندک، محتاط تر عمل کردن، منزوی و گوشه گیر بودن، فعل نتوانستن، احساس طرد شدن از تیم، متشنج شدن فضای خانواده. در ذیل یکی از روایت های موجود ذکر شده است: «خانم م.ر. می گوید: گاهی وقت ها بچه های ورزشکار علاوه بر متلک پرانی ها و فحش های که می دهیم، از عمل تنبیهی استفاده می کنند و در بازی مرا کمتر مشارکت می دهند و یا به من پاس نمی دهند. اینگونه رفتار ها خیلی رفتار سنگینی است و گاهی وقت ها احساس طرد شدن از تیم و تنهایی به من دست می دهد که هیچکس به من توجه نمی کند و به من اهمیت نمی دهند و باعث می شود که دیوار اعتماد فرو ریزد و حس بی اعتمادی به من دست می دهد».

این یافته ها با پارادایم مدل اجتماعی و نتایج پژوهش های آلبرشت همسو است. مدل اجتماعی معلولیت مدعی است که آنچه عده ای را ناتوان (Disable) می سازد از تفاوت های فیزیکی و بدنی و یا معلولیت و نقص عضو آن ها ناشی نمی گردد، بلکه معلول و محصول تعریف و برساخت اجتماعی است. این برداشت از معلولیت در پارادایم اجتماعی، موضوع طرد (Exclusion) معلولان را مطرح می سازد که در آن معلولان، مطرودین و ناتوان شدگان اجتماعی به شمار می آیند و دو گروه متفاوت را در خود جای دادند: نخست، کسانی که طرد را برابر با فقدان ادغام در گروه های اجتماعی می دانند و بر کارکرد روابط و نهادهای اجتماعی در ادغام دوباره طرد شدگان تأکید

می‌ورزند. دسته دوم، کسانی هستند که بالعکس طرد را ناشی از ادغام فرد یا گروه در جامعه می‌دانند و با نگرش انتقادی به فرهنگ و روابط اجتماعی می‌کوشند پرده از نقش ساختارها و روابط نابرابر قدرت در حاشیه رانی طرد شدگان بردارند. بدین ترتیب، همان طور که آلبرشت (۲۰۰۰) متذکر می‌گردد «ناتوانی در افراد مستقر نیست بلکه در تبعیض تحمیل شده توسط جامعه و در محیط اجتماعی و فیزیکی است که توانایی افراد را برای مستقل بودن محدود می‌کند» (زرین کفشیان، ۱۳۹۵: ۱۹).

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی کیفی و با استعانت از روش نظریه مبنایی کوشید مدل پارادایمی از مفهوم داغ ننگ را براساس برداشت های ذهنی و تفاسیر و تعاریف کنش گران از این مفهوم ارائه دهد. براساس یافته های پژوهش حاضر، رویکرد ورزشکار معلول نسبت به داغ ننگ در قالب تعامل شش مؤلفه اصلی مشخص شده است: ۱- مقوله معنای داغ ننگ، دغدغه های ورزشکار معلول به چرایی و چگونگی فرایند داغ ننگ، ویژگی های شخصیتی مهم در برخورد با داغ ننگ از نگاه خود فرد و اطرافیان، علل و عوامل ایجابی و ایجادی پدیده داغ ننگ در ورزشکار معلول به عنوان شرایط علی؛ ۲- رویکرد مؤثر به داغ ننگ به عنوان پدیده محوری؛ ۳- مقوله راهبردهای مقابله ای و مکانیزم و تدبیری که شخص ورزشکار معلول در مواجهه با فرایند داغ ننگ با توجه به شرایط اجتماعی و امکانات موجود راهبردی را اخذ می‌کنند به عنوان مقوله های راهبردی؛ ۴- کسب آمادگی برای رویارویی با داغ ننگ که در یک زمان و مکان خاص پدید می‌آیند که ورزشکار معلول با عمل و تعامل های خود به آن‌ها پاسخ می‌دهند به عنوان مقوله زمینه‌ای؛ ۵- مقوله های مقابله با فرایند داغ ننگ و استفاده از نقاط قوت و مقابله با نقاط ضعف ورزشکار معلول در مواجهه با داغ ننگ که بستگی به شرایط عوامل و عناصری مناسب یا نامناسب به عنوان مقوله های میانجی و مداخله گر؛ ۶- داغ ننگ ورزشکار معلول که به عنوان مقوله پیامدی به همراه دارد.

۳۹ زیرمؤلفه برای داغ ننگ در ورزشکاران معلول استخراج و در قالب مدل نظری بر مبنای نظریه داده بنیاد ارائه شد. این مؤلفه ها به وسیله یک موضوع واحد با عنوان «رویکرد مؤثر به داغ ننگ در ورزشکار معلول» با یکدیگر ارتباط می‌یابند. می‌توان گفت که فرایند داغ ننگ در ورزش معلولان یک خصلت گفتمانی دارد. گفتمان محصول زبان است. اگر افکار زبان را فاسد می‌کند، زبان هم فکر را فاسد می‌کند. معلولیت براساس دیدگاه های جامعه شناختی در سطح اجتماع نگر بسته می‌شود و آنچه به این واژه معنا می‌بخشد، نوع نگاه و باوری است که افراد به فرد معلول خواهند داشت. به عبارتی دقیق تر، معلولیت نتیجه اجتماعی نقص یا ناتوانی در افراد است که در افراد مستقر نیست، بلکه در تبعیض تحمیل شده به وسیله جامعه در محیط اجتماعی و فیزیکی که توانایی افراد را برای مستقل بودن محدود می‌کند و در کنش متقابل بین آسیب های فردی و پاسخ های خانواده و جامعه به آن‌ها که در تقلیل انتظارات نقشی، تعصبات، قوانین غیردوستانه و سیاست های تبعیض آمیز و بهره کشی ابزاری از ورزشکار معلول تجلی می‌یابد، قرار دارد (جلیلی، ۱۳۹۱: ۲۴).

تحلیل یافته های این پژوهش با کارهای پیشین در بعد پارادایم تعریف اجتماعی همچون گافمن، بکر و لمبرت، کینگ (از لحاظ برجسب زنی در ورزش معلولان) و هوارد کاپلان (از لحاظ خودپندارانگاری و عزت نفس در ورزش معلولان) و جسر و جسر (از لحاظ رفتار مسئله دار در ورزش معلولان) همسو است و در بعد پارادایم فردگرایانه سلامتی و بیماری، همچون برایان ترنر (از لحاظ مدل اخلاقی در ورزش معلولان) همخوانی دارد و در بعد پارادایم اجتماعی، همچون آلبرشت (از لحاظ طرد اجتماعی در ورزش معلولان) همسو است، ولی آن چیزی که در این پژوهش

کار را با پژوهش های پیشین متمایز می کند و تحلیل جامعه شناختی داغ ننگ در ورزش معلولان در این پژوهش را برجسته می کند، پدیده بهره کشی ابزاری از فرد معلول ورزشکار است. پدیده بهره کشی ابزاری از فرد معلول ورزشکار را می توان به فرد، خانواده و اجتماع منتسب دانست. در وهله نخست مجموعه نگرش های بهره کشی اعضای خانواده (اعم از والدین، خواهر و برادر و دیگر اعضا) از نظر تعامل با فرد معلول ورزشکار گرفته تا سو استفاده ابزاری از بدن معلول ورزشکار برای جلب خدمات خیریه و قانون حمایتی به نفع خود بهره برداری می کنند و در مرحله بعدی سایر نهادها و کنش گران ورزشی، نسبت به فرد معلول ورزشکار، نوع و تعامل های حال و آینده او با خود و محیط زندگی اش را تعیین می کند. دامنه تأثیر این بهره کشی شامل هر نوع رفتار فیزیکی یا غیرفیزیکی است که هدف آن کنترل کردن، ترساندن، تحقیر و تنبیه کردن و به انزوا کشاندن و انقیاد شخص معلول ورزشکار است. در اینجا با دیدگاه مختلف می توان این پدیده را تبیین و بررسی کرد. این پدیده بهره کشی از معلولان ورزشکار همزمان می تواند جزو شرایط علی، شرایط پدیده، شرایط کنش و تعامل (راهبردها) محسوب شود. از یک دیدگاه این پدیده بهره کشی جزو شرایط علی است که بهره کشی از بدن معلول ورزشکار و سو استفاده ابزاری، فرد معلول ورزشکار را به سمت داغ ننگ می برد. از دیدگاه دیگر بهره کشی جزو شرایط پدیده است که نهادها و کنش گران ورزشی (از مربی گرفته تا هم تیمی های ورزشی معلول ورزشکار) نسبت به فرد معلول ورزشکار بر حسب نقش و جایگاه ورزشی ورزشکار معلول، نوع و شدت معلولیت، جنسیت، شخصیت فرد معلول ورزشکار و بازی خراب کردن ... فرایند داغ ننگ (بر چسب، تبعیض و طرد) می زند و از ورزشکار معلول بهره کشی ابزاری می کنند. از دیدگاه دیگر این پدیده جزو شرایط کنش و تعامل (راهبردها) محسوب می شود که فرد ورزشکار معلول، راهبردی پیش می گیرد که در برابر بهره کشی و داغ ننگ و برچسبی که می خورد، مقاومت کند و با تمرینات ورزشی سخت و فشرده ای که انجام می دهد توانایی خود را بر دیگران از جمله هم تیمی ها و مربی و خانواده و دوستان نشان دهد و اعتبار هویتی داغ خورده خود را بازیابی و نشان دهد که فرد توانایی است. در واقع، یافته نشان می دهد که داغ ننگ برساخته اجتماعی است و همچنین نتاج تأیید می کند که تا چه اندازه نگرش ها و هنجارهای جامعه ورزشی در تعریف داغ ننگ معلولیت ورزشکار نقش داشته است و همچنین در طرد این افراد و جلوگیری از شرکت فعالانه آن ها در عرصه های اجتماعی و ورزشی مؤثر واقع می شوند. فرایندهای داغ ننگ ظاهراً دارای کارکرد اجتماعی عمومی است که در جلب حمایت جامعه برای آن هایی که توسط جامعه حمایت نمی شوند و تا زمانی که به کارکرد خود می پردازند و در برابر تغییر مقاومت می کنند، به کار می رود. (گافمن، ۱۳۸۶: ۲۳۱)

منابع

- ابراهیمی، بهروز. (۱۳۸۷). ورزش معلولان. کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی
- اخلاصی، ابراهیم. (۱۳۹۷). درآمدی بر جامعه شناسی بدن. تهران: انتشارات جامعه شناسان
- ازکیا، مصطفی. (۱۳۹۰). روش های کاربردی تحقیق. تهران: انتشارات کیهان
- ازکیا، مصطفی. (۱۳۹۵). روش های تحقیق کیفی از نظریه تا عمل. تهران: انتشارات کیهان
- استفانی جی، هانراهان. (۱۳۸۷). روان شناسی ورزش معلولان. فتح لله مسیعی. تهران: انتشارات کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران
- اسد، محمدرضا. (۱۳۸۴). تربیت بدنی و ورزش معلولان. تهران: دانشگاه پیام نور
- اسدی، محمدرضا. (۱۳۹۵). توان بخشی مبتنی بر جامعه: اشتغال معلولان به شیوه استاد شاگردی. تهران: انتشارات رشد فرهنگ
- افتخار، پریسا. (۱۳۹۷). سیمای معلولیت در سینما. تهران: انتشارات سیمای شرق
- افتخار، پریسا. (۱۳۹۷). معلولیت، چالش ها و سیاست ها در ایران. تهران: نشر کتاب پارسه
- انگل، بورلی. (۱۳۹۶). سوء استفاده عاطفی. هانیه شهرابی فراهانی و امین رفیعی پور. تهران: انتشارات آکادمیک
- بودریار، ژان. (۱۳۸۹). جامعه مصرفی. پیروز ایزدی، تهران: نشر ثالث
- پور محمدی، نعیمه. (۱۳۹۸). جهان معلول ساز: درباره اخلاق معلولیت. قم: انتشارات توانمندان
- ثمینی، نغمه. (۱۳۹۸). جنگ ها و بدن ها نشانه تن در فرهنگ و سینمای پساجنگ ژاپن. تهران: نشر نی
- جبلی، خدیجه. (۱۳۹۱). جامعه شناسی معلولیت. تهران: نشر علمی
- جلالی فراهانی، مجید. (۱۳۸۸). اصول، مبانی و اهداف ورزش معلولان. تهران: شرکت تضامنی انتشاراتی حتمی و شرکا
- جیولیونوتی، ریچارد. (۱۳۹۱). نظریه های جامعه شناسی انتقادی در ورزش. افسانه توسلی. تهران: نشر علم
- حسینی، نگین. (۱۳۹۳). درآمدی بر مطالعات معلولیت با رویکرد جامعه شناسی. تهران: انتشارات سیمای شرق
- حمیدیان، اکرم. (۱۳۹۶). نابرابری، فقر، طرد اجتماعی. تهران: انتشارات جامعه شناسان
- حیدری نیک، حسین. (۱۳۹۳). ورزش و معلولان. تهران: نشر ورزش
- خدابخشی کولایی، آناهیتا. (۱۳۸۹). کاربرد نظریه های مشاوره و روان درمانی در توانبخشی معلولان. تهران: انتشارات دائره
- دقیقه رضایی، سعید. (۱۳۹۵). تربیت بدنی و ورزش معلولان. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد
- ذکایی، محمدسعید. (صحیح). درآمدی بر تاریخ فرهنگی بدن در ایران. تهران: انتشارات تیسرا
- رهنما، فاطمه. (۱۳۹۷). طرد اجتماعی سالمندان. تهران: انتشارات جامعه شناسان
- ریتزر، جورج. (۱۳۹۲). نظریه جامعه شناختی معاصر و ریشه های کلاسیک آن. خلیل میرزایی. علی بقایی سرابی. تهران: انتشارات جامعه شناسان
- زرین کشیان، غلامرضا. (۱۳۹۵). ناتوان شدگان: رویکردی جامعه شناختی به طرد اجتماعی

- معلولان. قم: انتشارات سپهر اندیشه
- زیبرا، مارتین. (۱۳۸۵). نظریه های جامعه شناسی طرد شدگان اجتماعی. سید حسن حسینی. تهران: انتشارات آن
- ساعی شتربانی، روح الله. (۱۳۹۶). حقوق اجتماعی معلولان. تهران: انتشارات دانش
- ستوده، هدایت الله. (۱۳۸۳). آسیب شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات آوای نور
- سفیری، خدیجه. (۱۳۹۲). جامعه شناسی جنسیت. تهران: انتشارات جامعه شناسان
- شینک، رابرت. (۱۳۹۳). ورزش برای توسعه، صلح و عدالت اجتماعی. سید مهدی آقاپور. تهران: نشر علمی
- عبداللهی، حمید. (۱۳۹۰). «داغ ننگ و هویت اجتماعی: بررسی موردی عوامل اجتماعی داغ ننگ زنده بر افراد دارای معلولیت جسمانی آشکار در شهر رشت». مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران. سال ۲، شماره ۵ و ۶.
- عبداللهی، رضا. (۱۳۹۷). درآمدی بر جامعه شناسی قشربندی معلولیت در ایران. تهران: انتشارات دنیای اقتصاد
- عبداللهی کیوانی، سیده زهرا. (۱۳۹۲). معلولیت و زندگی روزمره در شهر تهران. تهران: انتشارات تپسا
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۵). روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تاکید بر نظریه برپایه. تهران: انتشارات آگاه
- فیروزآبادی، سید احمد. (۱۳۹۲). طرد اجتماعی: رویکردی جامعه شناختی به محرومیت. تهران: انتشارات جامعه شناسان
- قانع عزآبادی، فرزانه. (۱۳۹۳). «تجارب زیسته دختران ۳۰ سال به بالا در زمینه داغ ننگ ناشی از تجرد». مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران. شماره ۲.
- کرگان، کیت. (۱۳۹۴). جامعه شناسی بدن: نظریه های مدرن، پست مدرن و پسا ساختارگرایانه. محسن ناصری راد. تهران: انتشارات نقش و نگار
- کلدی، علیرضا. (۱۳۹۳). «بررسی نگرش مردم نسبت به معلولان». فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۱۱ و ۱۲.
- کولی، جی. (۱۳۹۳). ورزش در جامعه ۱ و ۲. بهرام قدیمی. تهران: انتشارات بامداد کتاب
- گافمن، اروینک. (۱۳۸۶). داغ ننگ: چاره اندیشی برای هویت ضایع شده. مسعود کیانپور. تهران: نشر مرکز
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۹۶). جامعه شناسی بالینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۹۵). روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری. تهران: انتشارات اطلاعات
- محمد پور، احمد. (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی ضد روش. تهران: انتشارات جامعه شناسان
- محمد پور، احمد. (۱۳۹۷). روش در روش: درباره ساخت معرفت در علوم انسانی. قم: انتشارات لوگوس
- محمدی اصل، عباس. (۱۳۹۶). بر ساخت اجتماعی جنسیت. تهران: نشر گل آذین
- موسوی، منصوره. (۱۳۹۵). زنانگی و بدن (نگاهی جامعه شناسانه به بلوغ). تهران: انتشارات

فیروزه

- موسوی، منصوره. (۱۳۹۷). **تابوی زنانگی**. تهران: انتشارات فیروزه
- ویس، اتمار. (۱۳۸۹). **مبانی جامعه‌شناسی ورزش**. کرامت‌الله راسخ. تهران: نشر نی
- هولمز، مری. (۱۳۸۷). **جنسیت و زندگی روزمره**. محمد مهدی لیبی. تهران: نشر افکار
- Ablon, Joan. (2002). **“The nature of stigma and medical condition”**. *Epilepsy & Behavior*, 3.S2-S9.
- Albrecht, G. L. and J.A. Levy. (1991). **“Chronic Illness and Disability as life Course Events”**. *Advances in medical sociology*, 2:3_13
- Bauman, J. F. (1995). **“The truly segregated Exploring the urban underclass”**. *Journal of Urban History*, 21(4), 536-548.
- Derrington, C., & Kendall, S. (2004). **Gypsy traveler students in secondary school: culture, identity and achievement**. Stoke on trent, UK:Trentham Books
- Donkor, S and Sandall, Jane. (2007). **“The impact of perceived stigma and mediating social factors on infertility-related stress among women seeking infertility treatment in southern Ghana”**. *Journal of Social Science & Medicine*, 65:1694-1683
- Goodley, D. (2000). **The Politics of Resilience: Self_advocacy in the lives of people with learning difficulties, for Disability, Human Rights and Social Series**. Buckingham, Open University press
- GuralnikJ. M., L.P. Fried, and Salive, M.E. (1996). **“Disability as a Public Health Outcome in the Aging Population”**. *Annual Review of Public Health*, 46.
- Hollo, Lenna. (2008). **Discrimination and conflict prevention**. Produce by Folk Bernadotte Academy, Printed by Edited Stockholm.
- Kessler RC, Mickelson KD, Williams DR. (1990). **“The prevalence, distribution, and mental health correlates of perceived discrimination in the United States”**. *J. Health Soc. Behav*, 40(3):208-30
- Lewis, S. et al. (2011). **“How do Obese Individuals Perceive and Respond to the Different Types of Obesity Stigma that They Encounter in Their Daily LivesAQualitative Study”**. *Journal of Social Science & Medicine*, 73:1349-1356.
- Livingston, D. and Boyd, E. (2010) **“Correlates and Consequences of Internalized Stigma for People Living with Mental Illness: A Systematic Review and Meta analysis”**. *Journal of Social Science & Medicine*, 71:2150-216.
- Ogbu J. (1991). **“Low school performance as an adaptation: the case of blacks in Stockton, California”**. In *Minority Status and Schooling*, ed. MA Gibson, JU Ogbu, pp. 249–85. New York: Garland
- Osler, A., & Morrison, M. (2000). **Inspecting schools for race equality: OFSTED's strengths and weaknesses: A report for the commision for Racial Equality**. Stock on trent, UK: Trentham Books
- Quillian L. (2006). **“New approaches to understanding racial prejudice and discrimination”**. *Annu. Rev. Sociol.* 32:299–328

- Steele, C. (1997). “**A threat in the air: how stereotypes shape intellectual identity and performance**”. Am. Psychol, 52(6):613-29
- Taleporos, George. McCabe, Martia P. (2002). “**Body image and physical disability-personal perspectives**”. Social Science & Medicine, 54, 971-980.
- Yang, Lawrence H., Kleinman, Arthur. & Linka, Bruce G. (2007). “**Culture and stigma: Adding moral experience to stigma theory**”. Social Science & Medicine, Volume 64, Issue 7, pages 1524-1535.

